

Good governance

حکومت مطلوب ، در سه دههٔ اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. بانک جهانی (۱۹۸۹) در گزارشی به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تاخیر رشد اقتصادیک کشورهای در حال توسعه پرداخته است . در این گزارش، که ناشی از نگرانی‌های مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی می‌باشد، مفهوم حکمرانی مطلوب مطرح گردیده است. مطمئناً حکم رانی نامطلوب عامل عقب ماندگی و عدم پیشرفت کشورها می باشد .

حکم رانی مطلوب جزء وظایف و کارهای اصلی دولتها به حساب می آید که این وظایف را می توان به سه بخش تقسیم کرد :

الف) روابط توسعه‌ای؛ به این معنی که دولتها با مدیریت اقتصاد به منظور نیل به حداکثر رشد اقتصادی، قادر به ایجاد تغییرات بنیادین در زمینه‌های مختلف هستند .

ب) روابط دموکراتیک و حقوق شهروندی .

ج) حقوق اجتماعی و فراهم نمودن زمینه مشارکت در امور مربوط به اداره کشور .

تعریف:

بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی مطلوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد.

به طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی مطلوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند.

از دیدگاه انستیتوی حکمرانی اوتاوا، حکمرانی ترکیبی است از سنتها، قواعد و آداب و رسوم، نهادها و فرایندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ گردد.

حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی، فعالان اجتماعی، اقتصادی، و نهادهای جامعه محور و گروه‌های ساختار نیافته، رسانه و... میشود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه ای و جهانی معنا می‌یابد.

از طرفی برخی از محققان به ابزار تحقق حکمرانی مطلوب تمرکز نموده اند و ویژگی‌هایی نظیر خط مشی های کلان اقتصادی، تخصیص کارآمد منابع، کیفیت اداره دولتی و بروکراسی و... را به عنوان مشخه های اصلی حکمرانی مطلوب بر شمرده اند.

در تازه ترین گزرنشی که از بانک جهانی درباره وضعیت حکمرانی کشورها در فاصله سال 1996 تا 2006 به دست آمده است، 6 ویژگی مورد ارزیابی قرار گرفته که عبارت است از صدا و پاسخگویی / کیفیت مقررات / اثربخشی دولت / ثبات سیاسی / حاکمیت قانون و کنترل فساد.

از نظر بانک جهانی و حکمرانی بد با عناوین شخصی نمودن قدرت، فقدان حقوق بشر، فشار نهادینه شده، دولت غیر پاسخگو و... غیر منتخب مترادف است و طبیعتاً حکمرانی مطلوب بر عکس موارد ذکر شده خواهد بود.

در نهایت می توان تعریف دیگری را از سازمان ملل متحد مطرح نمود: این سازمان بیان میدارد، حکمرانی مطلوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری.

قواعد حکمرانی مطلوب:

اگر چه در برخی از متون، حکمرانی مطلوب (*Good Governance*) به معنی دولت مطلوب (*Good Government*) نیز تعریف شده است، اما نمی توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجربه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهم می باشند.

اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (*ESCAP*) اصول مهم حکمرانی مطلوب و عوامل موثر در تقویت این اصول را تبیین نموده است؛ حکومت ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می توانند گام های موثری در روند توسعه پایدار بردارند.

اصول حکمرانی مطلوب بر مبنای تعریف *ESCAP*:

اگر چه در برخی از متون، حکمرانی مطلوب (*Good Governance*) به معنی دولت مطلوب (*Good Government*) نیز تعریف شده است، اما نمی توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجربه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهم می باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت مطلوب، شرط لازم برای حکمرانی مطلوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (*ESCAP*) اصول مهم حکمرانی مطلوب و عوامل موثر در تقویت این اصول را تبیین نموده است؛ حکومت ها با احترام نهادن به این

اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های موثری در روند توسعه پایدار بردارند ESCAP.، اصول حکمرانی مطلوب دارد به شکل زیر تعریف می‌نماید:

۱- مشارکت:

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی مطلوب به شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.

۲- حاکمیت قانون:

حکمرانی مطلوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.

۳- شفافیت:

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۴- پاسخگویی:

پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی مطلوب در یک جامعه منجر می‌شود.

۵- شکل‌گیری وفاق عمومی:

همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی مطلوب می‌باشد. حکمران مطلوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد.

۶- حقوق مساوی (عدالت)

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی مطلوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۷- اثر بخشی و کارایی:

از حکمرانی مطلوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثر بخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا نموده‌است.

۸- مسئولیت پذیری:

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی مطلوب به شمار آورد. در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌ها خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و

اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی مطلوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می باشد. برای مثال نمی توان انتظار داشت که مسئولیت پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.